تعدیل قوانین مالیاتی اراضی مزروعی در زمان ساسانیان: چگونه در عهد قباد پادشاه ساسانی رویه وصول مالیات اراضی مزروعی تغییر یافت

جباریان، مصطفی

تا زمان قباد بن فیروز پادشاه ساسانی مالیات عواید و محصول املاک مزروعی‏ بمآخذ مختلف و بر حسب میزان آبادی و نزدیکی و دوری آن بوسیله مباشرین پادشاه‏ وصول میشد باین کیفیت که چون موقع برداشت محصول فرامیرسید کشاورزان و باغداران موظف بودند که مباشر منطقه را خبر دهند تا محصول آنرا اعم از صیفی‏ و شتوی و سردرختی و موستان و غیره ارزیابی کرده و سهم دولت را که به نسبت‏ موقعیت و کیفیت محصول هرمحل بقرار چهار یک یا پنج یک یا ده یک و بعضی جاها بیست یک مجزا و بحیطه و قبول درآورد و سپس زارع اختیار داشت که در محصول خود تصرف نماید.و بطوریکه ابو علی محمد بلعمی وزیر دانشمند سلاطین آل سامان مترجم‏ تاریخ طبری(از عربی بفارسی)در تکمیل تحقیقات تاریخی امام محمد بن جریر طبری‏ مصنف تاریخ الامم و الملوک مشهور بتاریخ طبری می‏نویسد.

روزی قبادسوار بر اسب و در روستائی از ایالت سواد میرفت و موبد موبدان‏ با وی بوده.ناگهان صیدی بنظر رسید و قباد از پی صید تنها بتاخت و هنگام رسیدن‏ انگور بود.قباد بر سر کوهی رسید و نظر کرد دهی در دامنه آن کوه دید و بر کنار موستانی زنی دید که بر سر تنوری نان می‏پخت و پسرکی سه ساله پیش وی ایستاده در این حال پسرک بباغ درآمد و خوشه انگوری بکند و خواست بخورد که زن نهیب بر او زد و خوشه انگور از دستش بگرفت و بر شاخ رز بست.

قباد را این واقعه عجیب نمود و حمل بر بخل آن زن کرد و از کوه فرود آمد و بر آن باغ شد و زن را گفت این موستان از کیست؟گفت از آن من.پرسید این‏ کودک از کیست؟گفت این کودک هم از من است.

باز پرسید انگور چرا از او گرفتی و نگذاشتی بخورد.جواب داد مرا بر سهم‏ خود منعی نیست ولی پادشاه را در این محصول سهمی است تا مباشر پادشاه نیاید و بهرهء مالیات جدا نکند ما دست به محصول نمی‏زنیم.

قباد پرسید اینکه میگوئی در همه دهات مرسوم است؟زنک جوات داد آری‏ این شیوه در همه جا معمول است.

قباد را بر رعیت دل بسوخت و عنان بگردانید تا بهمراهان پیوست و بموبد موبدان ما وقع را بیان کرد و گفت که من می‏بینم که بر توانگران و مالکین بزرگ‏ قیدی نیست و مالیات قابل توجهی به دیوانخانه نمی‏دهند و روز بروز غنی‏تر میشوند در حالیکه به کشاورزان و رعایای کم‏درآمد تعدی زیاد از طرف مباشرین‏ و عمال دولتی میشود و با این مالیات سنگین بمرور تهیدست‏تر میگردند و از او خواست تدبیر و ترتیبی بیاندیشد که مالیات واقعی دیوانی هرمحل معلوم گردد تا رعایا در مال خود حق تصرف داشته باشند و بانتظار ارزیابی مباشرین از محصول دسترنج خود محروم نباشند.

مؤبد موبدان گفت تدبیر آن است که اراضی همه مملکت و باغات و موستان‏ها مساحت کنیم و برای هرمقدار از اراضی مزروعی و باغات خراجی معین کنیم تا رعیت‏ از میزان مالیاتی که هرسال باید بمباشرین دیوان پادشاهی بدهند مطلع بوده و از عواید خد بموقع سهم دیوان را ادا کرده قبض بگیرند و مباشرین را حق توقیف محصول نباشد مگر درباره کسانیکه از دادن مالیات سرپیچی کنند.

قباد این تدبیر را به پسندید و فرمان داد تا مساحان را احضار کردند و برای‏ هرایالت و منطقه گروهی تعیین و بفرستاد و به حکام و امرا فرمان داد که از مساحت‏ مایملک رعایا با کومک مساحان احصائیه‏ها تهیه کنند و نسختی هم به پای تخت بفرستند و چون این امر در اواخر سلطنت قباد اتفاق افتاد لذا با مرگ او این کار بپایان نرسید ولی‏ به انوشیروان ولیعهد خود وصیت مؤکد کرد که این رویه را دنبال و بفرجام برساند.

و چون شیروان بپادشاهی رسید فرمان داد که آن مساحت که قباد وصیت‏ کرده بود تمام کنند تا خراج نهند و ده یک و پنج یک از میان برخیزد و شیوه نوین‏ مالیاتی برقرار گردد و رعیت را اختصار تصرف محصول و منفعت حاصل شود پس مساحت‏ را تمام کردند و جریده آن بپرداختند و سرزمینهای آبادان که در فارس و عراق بود به رسن پیمودند تا چند جفت آید و بهر جفتی زراعتی درمی خراج نهادند و یک قفیز غله و هرکجا درخت بارور بود بر هردرختی چیزی قرار دادند و بر جهودان جزیه‏ نهاد و بر مردم توانگر بیشتر و بر درویش کمتر از شش تا هشت تا دوازده تا بیست و چهار و تا چهل و هشت درم به نسبت توانائی و دارائی هرکس مالیات مقرر گردید.

پس مجلس کنکاشی از موبدان و بزرگان و دبیران ترتیب داد و پس از خطبه‏ای‏ در پرستش خدای یگانه و لزوم گستردن مبانی عدل و داد در مملکت مقررات نوین‏ خراج را بازگفت و پس از مشاوره کافی بهر شهری کار داران بفرستاد تا این طریقه‏ را مجری دارند و این رویه و رسم بماند تا حتی بوقت خلافت عمر بن خطاب دومین‏ خلیفه اسلامی که مملکت ایران بتصرف اعراب درآمد عمر در عراق هیچ رسمی‏ عادلانه‏تر از آن نیافت و آن رسم را باقی گذاشت.